

درس خارج فقه استاد حمید درایتی

جلسه نود و ششم، ۴ اسفند ۱۴۰۰

موضوع: کتاب الشركة/ شرکت تعاونی /تطبیقات فقهی

تنبیه

إعراض به معنای روی گردانیدن از ملک است و اگرچه که چندین روایت در این باره وجود دارد اما از این بحث در کتب فقهی در ابواب متفرقه به طور استطرادی و موردی سخن به میان آمده است مانند بحث نِثار العرس و ما يُبذل في الضيافة و یا ما يبقى على الأرض بعد إنتهاء الإيجار من الزرع.

لازم به ذکر است که خروج یک شیء از محدوده تسلط یک فرد به دو صورت صورت می گیرد :

- خروج بدون رضایت و قهری — مانند فرار پرنده و یا غرق شدن اموال در دریا. در این گونه موارد که مالک از به دست آوردن مال خویش مایوس و از آن منقطع می شود، رابطه او از مال قطع می شود.

- خروج با اختیار و رضایت — این صورت چهار فرض دارد:

- تملیک عین به دیگری از طریق بیع، صلح، هبة و وصیة

- تملیک منفعت از طریق اجارة و امثال آن

- اباحه منفعت، مثل عارية

- رفع ید از عین و رها ساختن آن بدون تملیک عین به غیر و یا مباح ساختن منافع به دلخواه مالک.

از فرضهای فوق فقط فرض اخیر از مصادیق إعراض می باشد اما نسبت به حکم آن بین فقهاء اختلاف نظر وجود دارد:

- برخی از فقهاء مانند آیت الله حکیم [1] و خوئی [2] و تبریزی [3] و سیستانی [4] معتقدند که إعراض مالک موجب خروج از ملک نمی شود و صرفاً مفید اباحه تصرف است لکن اولین کسی که به نیت تملک آن را حیازة کند، مالک خواهد شد.

- برخی از فقهاء مانند آیت الله روحانی [5] و صدر [6] و امام خمینی [7] معتقدند که إعراض مالك موجب خروج از ملك می شود و با حیازة به ملك در می آید.
- برخی از فقهاء مانند مرحوم عراقی [8] معتقدند که إعراض در اموال یسیره و ناچیز موجب خروج از ملك می شود اما در اموال خطیره و مورد اعتناء سبب زوال ملکیت نخواهد بود.

مرحوم ایروانی در ضمن رساله ی مستقلی که در خصوص حکم إعراض نگارش نموده است، بعد از تدقیق در موضوع إعراض، قائل به صحّت آن شده و معتقد است إعراض موجب انقطاع رابطه ی بین مال و ملك می باشد (مانند مباحات أصلية). ایشان به مجموع ادله ای که بر این مدعا اقامه شده است اشاره می نماید که آن ها عبارتند [9]:

- بناء عقلاء — عمده دلیل در مسأله همین بناء عقلاء می باشد که از زمان شارع نیز وجود داشته و ردع و منعی نسبت به آن نرسیده است. عقلاء عموماً بخشی از اموال خود را بعد از انتهاء مقصود و حصول هدف، رها می کنند تا دیگران در صورت نیاز آن را بدست آورده و مورد تصرفات مالکانه ی خویش قرار دهند. به عبارت دیگر عقلاء اعراض را سبب سلب مالکیت مالک از مال اعراض شده می دانند و از آنجا که شارع موضوع احکام خود را مال عقلائی دانسته و تصرفی در مفهوم مال ننموده است، در مواردی که شارع حکمی را بر اموال مالک بار کرده، این احکام شامل مال مورد إعراض نخواهد شد.

اشکال

مرحوم آیت الله خوئی می فرمایند که این سیره عقلائیه نمی تواند دلیل بر زوال ملکیت باشد زیرا بر اساس همین سیره اولاً رجوع مالك به آن مال، ملکیت جدیدی بشمار نمی آید و ثانیاً مطالبه ی مال اتخاذ شده، توسط مالك تا قبل از اتلاف آن صحیح است در حالی که اگر عقلاء نفس إعراض را موجب خروج از ملك و حیازة را موجب ورود در ملك می دانست، هیچ يك از این دو فرع نباید وجود می داشت. ایشان قائل اند که نتیجه ی کنکاش این سیره عقلائیه آن است که إعراض صرفاً مفید اباحه تصرف می باشد (نه خروج از ملك) اما متعلق این اباحه، مطلق تصرف بوده و شامل تصرف تالف نیز می شود مانند اباحه تصرف ناشئ از بیع معاواة (بنابر قول قدماء). باید توجه داشت که اولاً این اباحه تصرف و جواز رجوع مالك تا زمانی وجود دارد که شخصی بعد از اخذ، آن مال را مورد تغییر معتنا به قرار نداده (مانند خیاطه القماش) یا به مکان دوری منتقل ننموده باشد که این نوع عملکردها عرفاً موجب تملك آن

محسوب می‌شود. ثانياً بعد از این اباحه مطلق تصرف، اگر مال إعراض شده به فروش رسد، به شهادت سیره عقلاء مصداق بیع فضولی نخواهد بود بلکه معامله منجز و تمام است و علی القاعده فروشنده باید آنّا قبل از فروش، مالک عین گردد[10].

- سیره متشرعة — متشرعة در موارد مختلفی نظیر محاسبه ی ما ترك متوفی، اموالی که عموماً إعراض می شود را به حساب نمی آورند (مانند پوست گردو).

[1] منهاج الصالحين، الحكيم، السيد محسن، ج ۲، ص ۱۸۴.

[2] منهاج الصالحين، الخوئي، السيد أبو القاسم، ج ۲، ص ۱۵۹.

[3] منهاج الصالحين، التبريزي، الميرزا جواد، ج ۲، ص ۱۵۹.

[4] منهاج الصالحين، السيستاني، السيد علي، ج ۲، ص ۲۶۵.

[5] منهاج الصالحين، الروحاني، السيد محمد، ج ۲، ص ۱۷۷.

[6] وعلق السيد الصدر على "قوله: لا يوجب": لا يبعد انه يوجب ذلك. قال السيد كاظم الحائري: قال أستاذنا «لا يبعد أنّه يوجب ذلك». أقول: ويترتب على ذلك أنّه إذا مات، لم ينتقل إلى وارثه حتّى يحرم على غيره تملكه إلّا بإعراض آخر من الوارث، وبما أنّ هذا المطلب غير مفهوم عرفاً، أي: أنّه لو مات المالك الذي أعرض عن ملكه، ففي الفهم العرفي لا ينتظر من أراد تملكه إعراضاً آخر من وارث المالك الأوّل، فلا يبعد القول بأنّ الإعراض مسقط للملكيّة عرفاً. منهاج الصالحين جلد صفحه ۲۸۲ مسألة ۶.

[7] تحرير الوسيلة (دو جلدی)، الخميني، السيد روح الله، ج ۲، ص ۱۳۵.

[8] في صحة الإعراض بالنسبة إلى الأمور الخطيرة نظر بل القدر المتيقن من السيرة مخرجية الإعراض في الأمور اليسيرة كباقة بقل أو حطب أو جلة حيوان أو أمثاله. تعليقته الاستدلالية على العروة (كتاب الاجارة - خاتمة فيها مسائل - الرابعة).

[9] جمان السلك في إعراض عن الملك، صفحه ۲۱۶.

[10] موسوعة الامام الخوئي، الخوئي، السيد أبو القاسم، ج ۳۰، ص ۴۶۳.

